



A Discourse Analysis of *The Remains of the Day* by Ishiguro

Zeynab Saber 

Associate Professor, Faculty of Handicrafts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: z.saber@aui.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: Accepted:

Keywords:

The Remains of the Day,
Discourse Analysis,
power/knowledge,
subject,
discourse of butlerism
master/butler
dignity.

ABSTRACT

The Remains of the Day by Kazuo Ishiguro, Japanese-born British novelist has published in 1989 and translated in Persian by Najaf Daryabandary in 1996. The novel is about a six-day trip by James Stevens, the butler of an aristocratic hall in England, in 1956. The research method, discourse analysis, is based on the ideas of Michel Foucault. Discourse refers to a regular set of statements that are hidden in invisible and unconscious structures, behind individual thoughts, theories and everyday words, and imposes its rules on the forms of thought, behavior and speech. In this regard, the concepts of institution, subject and power/knowledge are considered. In this article, it is shown that Steven's subjectivity, as a subject in the butlerism discourse, is formed through the institutions and discourses of aristocracy and butlerism, and the power structures behind the British aristocracy system based on what knowledge defines butlerism discourse and the subject of the butler in such a way that Stevens's behavior and thinking are constructed that he knows the undisputed superiority of the position of the masters and the aristocracy in the confrontation between « master/butler », normal, self-evident and natural. Steven's subjectivity in this discourse has internalized these binaries and rules and discipline related to them and the system of discrimination resulting from them, so that he has found an outlandish perception of his position as a butler. Through the mechanism of this discourse, he has become the bearer of his prison and participated actively in his imprisonment

Cite this article: Saber, Z. (2023). A Discourse Analysis of *The Remains of the Day* by Ishiguro. *Journal of Research in Narrative Literature*, 10 (3), 1-20.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 00000000000000000000000000000000

تحلیل گفتمان رمان *بازمانده* روز نوشته ایشی گورو

زینب صابر

دانشیار، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: z.saber@aui.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

واژه‌های کلیدی:

رمان *بازمانده* روز،

تحلیل گفتمان،

گفتمان پیش‌خدمتی،

سوژه،

قدرت/دانش،

ارباب/نوکر،

تشخص.

رمان *بازمانده* روز نوشته کازنو ایشی گورو، نویسنده انگلیسی ژاپنی تبار، در سال ۱۹۸۹ م. چاپ شده و در سال ۱۳۷۵ ه.ش با ترجمه نجف دریابندری به فارسی منتشر شده است. رمان شرح شش روز سفر جیمز استیونز، پیش‌خدمت یک سرای اشرافی در سال ۱۹۵۶ م. در انگلستان است. روش منتخب در این مقاله، تحلیل گفتمان، مبتنی بر آراء میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی است. گفتمان مجموعه قاعده‌مندی از گزاره‌هاست که به صورت ساختارهای نامرئی و ناخودآگاه، در پس اندیشه‌های منفرد، نظریه‌ها و سخنان روزمره پنهان است و قواعد خود را بر اشکال اندیشه، رفتار و گفتار تحمیل می‌کند. در این راستا مفاهیم نهاد، سوژه و قدرت/دانش مورد تأمل و مذاقه قرار می‌گیرند. در این مقاله نشان داده می‌شود که استیونز به منزله سوژه‌ای در گفتمان پیش‌خدمتی، چگونه از خلال نهادها و گفتمان‌های اشرافیت و پیش‌خدمتی صورت‌بندی می‌شود و ساختارهای قدرت در پس نظام اشرافی‌گری بریتانیا بر مبنای چه دانشی به تعریف گفتمان پیش‌خدمتی و سوژه پیش‌خدمت می‌پردازد به نحوی که رفتار و تفکر استیونز به گونه‌ای برساخته شده که برتری بلامنزاع جایگاه ارباب‌ها و طبقه اشراف در تقابل «ارباب(آقا)/پیش‌خدمت(نوکر)» را امری بهنجار، بدیهی و طبیعی می‌داند. ذهنیت استیونز در گفتمان مزبور چنان این تقابل‌ها و قوانین و انضباط مربوط به آن‌ها و نظام تبعیض منتج از آن‌ها را درونی کرده که برداشتی کژتاب از موقعیت خود به عنوان یک پیش‌خدمت پیدا کرده و از خلال سازوکار این گفتمان به حامل زندان خود بدل شده و در زندانی بودن خویش مشارکت فعال یافته است.

استناد: صابر، زینب (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان رمان *بازمانده* روز نوشته ایشی گورو. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۰ (۳)، ۲۰-۱.

حق مؤلف © نویسنده گان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 00000000000000000000000000000000

۱. پیشگفتار

۱-۱. مقدمه

در مقاله حاضر به تحلیل رمان *بازمانده روز*^۱ اثر کازئو ایشی‌گورو^۲ نویسنده انگلیسی ژاپنی تبار پرداخته می‌شود. نویسنده‌ای که در سال ۲۰۱۷ م. برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات شده است. این رمان نخستین بار در سال ۱۹۸۹ م. در انگلستان و ایالات متحده آمریکا چاپ شده و در همین سال موفق به دریافت جایزهٔ بوکر شده است. ترجمهٔ فارسی رمان به قلم نجف دریابندری در سال ۱۳۷۵ ه.ش در ایران به طبع رسید. راوی این رمان، جیمز استیونز، سرپیش خدمت یک سرای اشرافی است که روایت‌ها و تحلیل‌های خود از وقایع این سرا را در سفری شش‌روزه مرور می‌کند. در مقاله حاضر این رمان با رویکرد تحلیل گفتمان بررسی شده و نحوهٔ برساخت گفتمان پیش خدمتی شرح داده می‌شود. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که استیونز به منزلهٔ سوژهٔ برساختهٔ گفتمان چگونه موقعیت خویش را به عنوان یک پیش خدمت ادراک و تشریح می‌کند و این سازوکار چگونه با روش تحلیل گفتمان^۳ و مفاهیمی چون نهاد، سوژه و قدرت/دانش تبیین می‌گردد.

۱-۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌هایی در خصوص مطالعهٔ رمان‌های مختلف با رویکرد تحلیل گفتمان صورت گرفته که شاید بتوان گفت بیشتر آن‌ها با روش فرکلاف^۴ یا لاکلا و موفه^۵ انجام شده است. بهجت‌السادات حجازی در شمارهٔ ۲۳۲ نشریهٔ زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر دو رمان از محمدرضا بایرامی با نظری به اندیشهٔ فوکو» و همچنین زینب صابر و پرویز ضیاء شهابی در شماره یازده نشریهٔ پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی) در مقاله‌ای با نام «نسبت سوژه و قدرت در رمان‌های دن کیشوت و مادام بوواری با ابتدای بر دیدگاه‌های میشل فوکو» به مطالعهٔ رمان با توجه به آراء فوکو پرداخته‌اند، که البته به طور اخص از روش تحلیل گفتمان در این مقالات استفاده نشده است. سفانه محقق نیشابوری، سارا ایلخانی و جلال سخنور در

¹ *The Remains of the Day*

² Kazuo Ishiguro

³ Discourse Analysis

⁴ Fairclough

⁵ Laclau & Mouffe

شماره ۳۵ مجله کتاب ماه ادبیات، در بخش نقد و بررسی کتاب در مقاله‌ای با عنوان «بررسی قدرت از دیدگاه فوکو در رمان *بازمانده* روز اثر کازوئو ایشی گورو» به نقد این رمان پرداخته‌اند. البته این مقاله از روش تحلیل گفتمان بهره نبرده و از مفاهیم فوکویی، صرفاً مفهوم قدرت را مطرح نظر قرار داده است. محتوای مقاله هم به مقایسه دو شخصیت استیونز و خانم کنتن پرداخته که در پژوهش پیش رو این مقایسه صورت پذیرفته است.

همچنین در خصوص رمان *بازمانده* روز مقاله «سه گانه ذهن‌ورزی بعد انسانی تشکیلات سازمانی و تفکر خلاق در رمان *بازمانده* روز کازوئو ایشی گورو» در شماره ۲۵ نشریه نقد زبان و ادبیات خارجی (پژوهشنامه علوم انسانی) منتشر شده است. نویسندگان این مقاله، زهره رامین و سید حسین سادات حسینی خواجه‌بوی با روشی متفاوت از تحلیل گفتمان این رمان را بررسی کرده‌اند.

می‌توان گفت به طور کلی در حوزه مطالعات رمان، تمرکز کمتری بر روش تحلیل گفتمان بر مبنای اندیشه فوکو بوده است و به طور اخص در پژوهش‌های پیشین، رمان مورد بحث در این مقاله، با روش تحلیل گفتمان فوکویی مورد بررسی واقع نشده است.

۳-۱. تحلیل گفتمان

روش پژوهش در این مقاله، تحلیل گفتمان است. ابتدا به توضیح مفهوم گفتمان پرداخته و سپس روش تحلیل گفتمان شرح داده می‌شود. درباره گفتمان دیدگاه‌های مختلفی در حوزه زبان‌شناسی انتقادی، زبان‌شناسی اجتماعی، نظریه فرهنگی و... عرضه شده است که اغلب این نظریه‌ها بر آراء میشل فوکو، میخائیل باختین، لویی آلتوسر، میشل پشو و دایان مکدائل استوار است. مکاریک در کتاب *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر* گفتمان را دارای دو معنای متفاوت اما مرتبط می‌داند:

«یکی به "یک قطعه بزرگ زبانی" اشاره دارد و دیگری به سازمان‌بندی اجتماعی محتواها در کاربرد. اولی وجه مشخصه رویکرد زبان‌شناختی است و از سنتی انگلیسی-آمریکایی برخاسته است و دومی وجه مشخصه رویکردهایی است که از منظری اجتماعی به آن می‌نگرند و با سنت فرانسوی پیوند خورده است. هم‌پوشی چشمگیری هم بین این دو وجود دارد. البته تا سی سال پیش، "گفتمان" همان معنای سنتی خود را داشت و عبارت بود از عرضه‌ی منظم یک موضوع معین در قالب نوشتار یا گفتار... اما معنای امروزی این واژه تا حدی بیان‌گر تأثیر رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، فلسفه، نقد ادبی، تاریخ، روان‌کاوی و جامعه‌شناسی است.» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۲۵۶)

به‌زعم میشل فوکو، گفتمان، مجموعه‌ای از قواعد تاریخی ناشناس که در زمان و مکانی خاص معرف یک دوران معین هستند و ارتباط کلامی در یک محدوده‌ی اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و زبانی منوط و مشروط به کارکرد آن‌ها است. (Foucault, 2002: 117) گفتمان برای اشاره به مجموعه قاعده‌مندی از گزاره‌ها^۱ به کار می‌رود که به صورت ساختارهای نامرئی و ناخودآگاه، در پس اندیشه‌های منفرد، نظریه‌ها و سخنان روزمره نهفته است و قواعد خود را بر اندیشه، فلسفه، علم، رفتارها و گفتارها تحمیل می‌کند. می‌توان گفت، جهان اجتماع و انسان، جهانی ذاتاً بی‌شکل و بی‌معنی است و به وسیلهٔ گفتمان‌های هر عصری، معنا و شکلی خاص می‌گیرد و محدود و محصور می‌شود. به سخن دیگر، اجتماع و انسان به طور بالقوه قابل ظهور در اشکال گوناگون است و گفتمان مسلط در هر دوره، به تحقق و ظهور متعین یکی از آن اشکال می‌انجامد.

تحلیل گفتمان یا گفتمان‌کاوی «یک روش تحقیق بین‌رشته‌ای است که به مطالعهٔ ساختارهای متون می‌پردازد و برای آن که چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی و اجتماعی-فرهنگی متون را بررسی می‌کند.» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۲۶۰) در روش تحلیل گفتمان، ویژگی‌های اجتماعی متون که از آن به فرامتن یاد می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این روش ساختارهای اجتماعی و ادراکی یعنی آنچه معمولاً فرامتن نامیده می‌شود، باید در نظر گرفته و هم‌زمان متن و چارچوب‌های آن و ساختارهای خرد (لایهٔ سطحی) و کلان (لایهٔ عمقی) بررسی شود. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۵) بنابراین تحلیل گفتمان، روشی است که در آن تحلیل‌های صرفاً متن‌مدار مورد انتقاد واقع می‌شوند. بنا به گفتهٔ میلز، «تحلیل گفتمان را می‌توان واکنشی در برابر شکل سنتی تر زبان‌شناسی (زبان‌شناسی صوری، ساختاری) دانست که بر واحدهای متشکله و ساختار جمله‌تمرکز می‌کند و سروکاری با تحلیل زبان کاربردی ندارد.» (میلز، ۱۳۸۸: ۱۷۱)

تحلیل گفتمان به بررسی متون مکتوب در بافت نهادی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها می‌پردازد. تحلیل گفتمان برای رشته‌های فرهنگی رسمی (ادبیات، فلسفه، تاریخ) استثناء قائل نمی‌شود و با به‌کارگیری روش‌های حوزه‌هایی چون محتواکاوی، روایت‌شناسی، نشانه‌شناسی متن و نقادی ایدئولوژیک، امکان مطالعهٔ همهٔ جنبه‌های گفتمان در زندگی روزمره را فراهم می‌آورد. نظریه گفتمان‌کاوی به ما می‌گوید که مناسبات قدرت در جامعه بر نحوهٔ ارتباط ما با یکدیگر و نیز بر نحوهٔ تولید «دانش» تأثیر می‌گذارد و

¹ statements

آن را شکل می‌دهد. (مکاریک، ۱۳۸۳: ۲۶۰)

چنانکه بیان شد رویکرد تحلیل گفتمان به شدت متأثر از آثار فوکو در زمینه تجزیه و تحلیل واحدهای گفتمان و صورت‌بندی گفتمان هستند که در کتاب‌های *دیرینه‌شناسی دانش* (۱۹۶۹) و *نظم گفتمان* (۱۹۷۰) و نیز در دیگر آثار او که به بررسی تولید دانش و قدرت در گفتمان پرداخته‌اند، مطرح شده‌اند: «هیچ شکلی از مناسبات قدرت بدون تأسیس حوزه‌ی دانش ملازم با آن وجود ندارد و هیچ شکلی از دانش که هم‌زمان مناسبات قدرت را مسلم می‌انگارد و تأسیس نکند، نیز موجود نیست.» (فوکو، *مراقبت و تنبیه: پیدایش زندان* به نقل از همان: ۲۶۱)

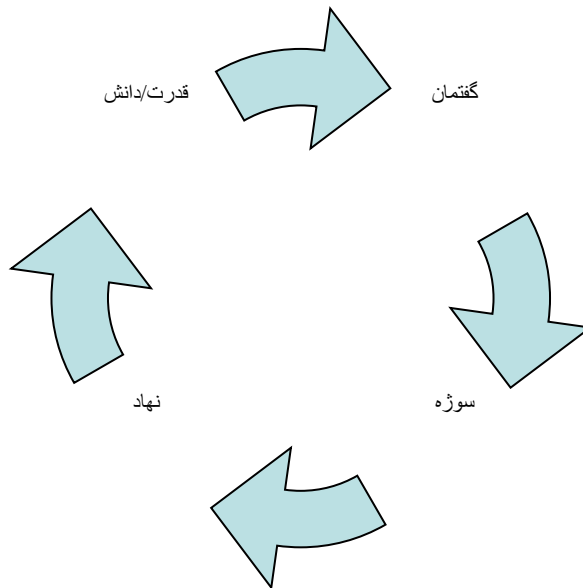
می‌توان گفت در این رویکرد باید مفهوم گفتمان را در پیوند با مفاهیم قدرت/دانش، نهاد و سوژه در نظر آورد. به این معنا که گفتمان را می‌توان شکل خاصی از زبان دانست با قواعد خاصش و نهادهایی که در درون آن گفتمان تولید و منتشر می‌شود. همچنین باید توجه داشت که گفتمان سوژه‌های خود را تولید می‌کند (رز، ۱۳۹۴: ۲۵۷). به سخن دیگر هر گفتمانی، گستره دانش، سوژه‌ها و نهادهای مرتبط با خود را بر می‌سازد و در عین حال این گستره دانش، سوژه‌ها و نهادها، گفتمان مورد نظر را تقویت می‌کنند. به بیان دیگر مفاهیم گفتمان، سوژه، نهاد و قدرت/دانش را نمی‌توان منفک از هم در نظر گرفت. به زبان ساده، هر گفتمانی سوژه‌ها و کاربران خود را تولید و تعریف می‌کند، نهادهایی را شکل می‌بخشد و مشروعیت خود را با اتکا به دانشی به دست می‌آورد، که در عین حال آن را تولید می‌کند و گسترش می‌دهد.

نظریه تحلیل گفتمان به ما می‌گوید که مناسبات قدرت در جامعه بر نحوه ارتباط ما به منزله سوژه‌ها با یکدیگر و نیز بر نحوه تولید دانش تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد. ساختارهای قدرت در هر جامعه و فرهنگی، هنجارهای مرجح و اصول بدیهی را به عنوان موضوعی با اولویت معرفت‌شناسانه، تولید و محافظت می‌کنند. این هنجارهای مرجح و اصول بدیهی در هر فرهنگ و گفتمانی به شکل متفاوتی تعریف می‌شود. ممکن است آنچه امروز هنجارین و معمول و آشنا به نظر می‌آید، زمانی موجب خشم و انزجار اکثریت آدم‌ها بوده باشد. (فوکو، ۱۳۸۹: ۳۳۵) دانش‌ها در هر گفتمانی بر این اصول بدیهی متکی هستند. نسبت دانش و قدرت در نگره فوکویی چنان درهم تنیده است که وی از اصطلاح قدرت/دانش استفاده می‌کند. فوکو بیان می‌دارد که دانش فقط در صورتی می‌تواند به منزله دانش عمل کند که قدرتی را اعمال کند. هر گزاره‌ای که درون سایر گفتمان‌های ممکن دانش، صادق قلمداد می‌شود، قدرتی را اعمال می‌کند و در همان حال، امکانی را خلق می‌کند (همان، ۱۳۹۷: ۹۴).

مفهوم قدرت از منظر فوکو صرفاً به معنای نیرویی سرکوبگر نیست. بلکه قدرت می‌تواند سازنده باشد. فوکو در کتاب *مراقبت و تنبیه* بیان می‌کند:

«باید بپذیریم که قدرت تولید دانش می‌کند (نه فقط صرفاً از طریق حمایت از آن، چون که به قدرت خدمت می‌کند یا به خاطر استفاده از آن، چون که فایده‌مند است)؛ که قدرت و دانش به طور مستقیم به همدیگر اشاره دارند؛ که هیچ رابطه قدرتی نیست که یک حوزه دانش متناظر را نسازد و هیچ دانشی نیست که فاقد پیش‌فرض نباشد و در عین حال روابط قدرت را پایه‌گذاری نکند.» (به نقل از رز، ۱۳۹۴: ۲۶۰)

در واقع ما به منزله سوژه‌های برساختی، ساختارهای قدرت و قوانین آن را بر اساس دانش و گزاره‌های مرتبط با آن ساختارها می‌پذیریم و آن گزاره‌ها، دانش و انضباط تعریف‌شده را درونی می‌کنیم. لذا در تحلیل گفتمان باید به ظهور و نمود قدرت/دانش، سوژه و نهاد در گفتمان توجه داشت.



شکل ۱. پیوند گفتمان به قدرت/دانش، نهاد و سوژه (منبع: یافته‌های تحقیق)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

رمان *بازمانده روز*، روایت شش روز از زندگی جیمز استیونز را در سال ۱۹۵۶ م. در برمی‌گیرد.

استیونز، پیش خدمت سرای دارلینگتن، پس از بیست سال نامه‌ای از سرخدمتکار سابق این سرا، خانم کنتن دریافت می‌کند. او که بیش از سی سال در این سرا پیش خدمت لردی انگلیسی با نام دارلینگتن بوده و حالا در خدمت ارباب آمریکایی است، به سفری شش‌روزه می‌رود تا خانم کنتن را جهت همکاری مجدد با خود همراه کند. وی از خلال این سفر جاده‌ای خاطرات خود از سرای دارلینگتن در دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی و فعالیت‌های سیاسی جامعه اشرافی انگلستان بین دو جنگ جهانی را روایت می‌کند و می‌کوشد تأملات شخصی خود را صورت‌بندی کند.

او روابط شخصی خود با خانم کنتن را در پس‌زمینه جلساتی که در این سرا برگزار می‌شود، به یاد می‌آورد. جلساتی که لرد دارلینگتن در آن‌ها تلاش دارد اشراف انگلیسی را با نازی‌های آلمانی آشتی دهد که البته استیونز اطلاع دقیقی از چگونگی این مباحث ندارد.

۱-۲. سوژه و نهاد

در گفتمان خدمتکاری با سلسله‌مراتبی از سوژه‌ها روبرویم. سلسله‌مراتبی از پادو تا زیردست پیش خدمت که همگی می‌خواهند خود را به منتهی‌الیه این سلسله یعنی مقام پیش خدمتی برسانند (ایشی-گورو، ۱۳۹۶: ۶۴). می‌توان گفت به موازات نهاد پیش خدمت‌ها، نهاد اشرافی اربابان هم در سلسله‌مراتب سوژه‌هایی چون شاه، ملکه، شاهزادگان، دوک‌ها و لردهای انگلیسی هستند که پیش خدمت‌ها در یک سلسله مراتب مشخص و تعریف شده به خدمت در سراهای اربابان در بریتانیا مشغول‌اند. نهاد پیش خدمت‌ها را می‌توان نهادی ذیل مجموعه‌ای از نهاد بزرگ‌تر اشرافیت انگلیسی محسوب کرد. در این سراها پیش خدمت‌ها در مهمانی‌های بزرگ در دالان خدمه باهم به گفتگو می‌پردازند. به عبارت دیگر نهاد پیش خدمت‌ها در دالان خدمه در طبقه پایین ساختمان، نهادی موازی با نهاد اربابان اما فروتر از آن محسوب می‌شود. اربابانی که در طبقه بالا مشغول مباحثه هستند. (همان: ۴۶) در تعریف استیونز از پیش خدمت، با سوژه‌ای روبرویم که حرفه‌اش را بر تمام مسائل شخصی‌اش ارجح می‌داند. این سوژه چنان احساسات شخصی خود را در راه انجام کامل و دقیق حرفه‌اش منکوب و سرکوب می‌کند که به رباتی بی‌احساس بدل می‌شود.

در نگره فوکویی، گفتمان به شیوه‌های اندیشیدن و عمل کردن سوژه‌ها نظم می‌دهد؛ اما گفتمان صرفاً سرکوب کننده نیست. گفتمان قواعد فکر و رفتار را به عامل‌های انسانی از پیش موجود تحمیل نمی‌کند؛ برعکس، سوژه‌های انسانی از طریق گفتمان‌ها ساخته می‌شوند (رز، ۱۳۹۴: ۲۵۹). در حقیقت جوهره ذاتی گفتمان آن است که موجودات را نام‌گذاری کند و آن‌ها در نسبت با خودش به حریم

خویش وارد کند (Tanke, 2009: 30). در سوژهٔ پیش خدمت در این رمان بر مفهوم «حرفه‌ای بودن» تأکید می‌شود. به نحوی که از نظر استیونز این «حرفه‌ای بودن» تمام مسائل شخصی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. استیونز حتی گویا فاقد نام شخصی یا نام کوچک است. زمانی که همراه پدرش مدتی در سرای دارلینگتن باهم کار می‌کنند، تأکید دارد که هر دو با نام خانوادگی خوانده شوند و گویا نام کوچک ندارند. در طول رمان تنها یک بار توسط پدرش با نام جیمی خوانده می‌شود.

استیونز به عنوان یک پیش خدمت باید تمام امور، احساسات و مسائل شخص خود را قربانی امور حرفه‌ای خود کند. این مسأله در ارتباطش با خانم کنتن و پدرش قابل مشاهده است. در شب مرگ پدر، علی‌رغم درخواست پدر برای حرف زدن با استیونز، او این درخواست را ندیده می‌گیرد و فوراً به محل کارش بازمی‌گردد (ایشی‌گورو، ۱۳۹۶: ۱۵۳ و ۱۵۴). همچنین استیونز در رابطه با خانم کنتن، هیچ‌گاه نمی‌تواند، به تعبیر خود او، در نقاط عطف رابطه‌اش توجه و همدردی لازم را به خانم کنتن نشان دهد. چون در آن زمان‌ها مجبور بوده که حرفه‌اش را در اولویت قرار دهد و فوراً به جلسات مهم در سرا بازگردد (همان: ۲۶۴). به این ترتیب هیچ‌گاه فرصت بروز و تحقق تنها رابطهٔ عاطفی در زندگی‌اش فراهم نمی‌شود.

استیونز از هر چیزی که باعث حواس‌پرتی او در انجام حرفه‌اش شود، پرهیز می‌کند. چنانکه وقتی خانم کنتن برای اتاق او گل می‌آورد، گل‌ها را عاملی برای حواس‌پرتی می‌داند. همچنین به گفتهٔ خانم کنتن، استیونز از استخدام دختران جوان و زیبا امتناع می‌کند، تا حواسش پرت نشود (همان: ۲۲۱ و ۲۲۲). استیونز با آن که در یک سرا با پدرش کار می‌کند، اما تنها در بستر مرگ پدر است که برای اولین بار فرصت می‌کند به اتاق او پا می‌گذارد و اتاق او را شبیه یک سلول زندان می‌بیند. یعنی پدر استیونز بعد از نیم قرن کار کردن در عالی‌ترین سطح پیش خدمتی در نهایت در این سلول تنگ و تاریک روزگار می‌گذراند. همچنان که وقتی میس کنتن برای نخستین بار برای او گل می‌آورد، اتاق او را که سرپیش خدمت سرای دارلینگتن است، چون سلول زندان می‌بیند. این در حالی است که استیونز اتاق خود را مرکز عملیات می‌خواند (همان: ۲۳۲). در واقع سلول زندان را می‌توان استعاره‌ای از وضعیت پیش خدمت‌هایی چون استیونز دانست که از خلال تعاریف پیچیده و ارزش‌گذاری‌های گفتمان پیش خدمتی در آن اسیر شده‌اند، بدون اینکه به این اسارت اذعان کنند یا حتی به آن واقف باشند.

بخشی از این تعاریف پیچیده از معنای پیش خدمتی را نهادی به نام انجمن هیز تدوین می‌کند. انجمنی نخبه‌گزین از پیش خدمت‌های انگلیسی که تنها پیش خدمت‌های تراز اول را به عضویت می‌پذیرد و در

نشریه خود به تعریف پیش خدمت تراز اول یا پیش خدمت بزرگ می‌پردازد (همان: ۶۵) و مهم‌ترین شرط را *dignity* برمی‌شمرد. این واژه در فارسی به تشخیص، وقار، متانت و حیثیت ترجمه شده است و در ادامه مقاله می‌بینیم که به مفهومی بدل می‌شود که استیونز مکرراً در آن تأمل می‌کند.

انجمن هیز از زوال نهاد اشرافیت و به تبع آن اضمحلال نهاد پیش خدمت‌ها بیم دارد و از پیش خدمت‌ها می‌خواهد که خدمات خود را صرفاً به نهاد اشرافیت و نه اهل کسبه جدید ارائه کنند. (همان: ۶۶) می‌توان گفت اضمحلال نهاد اشرافی بریتانیای کبیر در سال‌های جنگ جهانی اول و دوم در لایه زیرین رمان *بازمانده* روز مطمح نظر نویسنده بوده است. این اضمحلال به شکلی استعاری در وضعیت سرای دارلینگتن قابل مشاهده است. زمانی که پس از جنگ بخش‌هایی از این سرای بزرگ بلااستفاده می‌شود و روی این بخش‌ها ملحفه کشیده می‌شود (همان: ۳۱). سرا کوچک می‌شود، همچنان که نهاد اشرافیت حجم و هیمنه‌اش را از دست می‌دهد و کوچک می‌شود. در سطحی دیگر این سرا را می‌توان نمادی از امپراتوری بریتانیای کبیر دانست که در جنگ جهانی اول و دوم فرومی‌پاشد و قلمروها و مستعمراتش را از دست می‌دهد و از مساحتش کاسته می‌شود. همچنین وضعیت و تقدیر این سرا را می‌توان در راستای تغییرات در ساختارهای قدرت در جهان تفسیر کرد. به این معنا که این ساختارها بعد از جنگ جهانی تغییر می‌کنند و با موازنه قوای جدیدی در جهان روبرویم؛ در رمان *بازمانده* روز هم پس از جنگ جهانی دوم، مالک این خانه از لرد دارلینگتن انگلیسی به آقای فارادی آمریکایی تغییر می‌کند. همچنانکه بریتانیای کبیر وجه ابرقدرتی خود را در جهان از دست داده و ایالات متحده آمریکا این نقش را بر عهده می‌گیرد.

در این رمان نهاد اشرافیت بریتانیای کبیر رو به افول است و این افول، اضمحلال نهاد پیش خدمتی را به دنبال دارد. کاربران این نهاد، سوژه‌هایی چون استیونز هستند که همچنان به بقای نهاد اشرافیت، مُصر و امیدوارند. چراکه به وضعیت سوژگی و هویت خویش در نهاد پیش خدمت‌ها خو گرفته و خویش را از خلال آن درک می‌کنند. استیونز در استمرار اسارت خویش در این نهاد و گفتمان فعالانه مشارکت دارد. یکی از پرسش‌های فوکو این است که در طی چه سازوکاری ما به حاملان زندان‌های خودمان تبدیل می‌شویم و در زندانی بودن خویش مشارکت فعال داریم (برتز، ۱۳۸۲: ۱۹۷). به بیان دیگر در گفتمان پیش خدمتی طی یک سلسله تعاریف و مقررات، ارزش‌هایی نهادینه می‌شود و توسط سوژه‌ها اجرا شده و گسترش می‌یابد، به نحوی که سوژه پیش خدمت قادر به دیدن حقیقت زندانی نیست که در آن اسیر شده است و با سعی فراوان و رضایت کامل در حصول وضعیت خویش، تشریک مساعی دارد.

اینکه سوژه‌ها در یک گفتمان چطور قوانین و انضباط را درونی می‌کنند و از سرِ رضا به انقیاد هويت از پیش تعریف‌شدهٔ خویش درمی‌آیند، به میانجی‌دانشی فهم و درک می‌شود که گفتمان بر آن متکی و سوار است و در عین حال آن را تولید می‌کند.

۲-۲. قدرت/دانش

در نگرهٔ فوکو سوژه‌های برساختی، ساختارهای قدرت و قوانین آن را بر اساس دانش و گزاره‌های مرتبط با آن ساختارها پذیرفته و آن گزاره‌ها، دانش و انضباط تعریف‌شده را درونی می‌کنند. به این ترتیب کنترل انضباط از بیرون به درون منتقل شده و ما به پلیس‌های خودمان بدل می‌شویم. قوانین را اجرا کرده و بر این اجرا نظارت دقیق اعمال می‌داریم. به همین صورت که استیونز دو گانهٔ «ارباب/نوکر» را کاملاً درونی کرده و برای ارباب شأنی والا قائل است. استیونز حتی با وجود مشاهدهٔ اشتباهات ارباب، لرد دارلینگتن، مصرانه عنوان می‌کند که نهایت اعتماد را به صحت قضاوت جناب لرد دارد. (ایشی‌گورو، ۱۳۹۶: ۳۲۱)

در واقع ساختار اشرافی‌گری نظام قدرت در انگلستان این گفتمان پیش‌خدمتی را تولید کرده و به این ترتیب هويت سوژهٔ پیش‌خدمت تعریف می‌شود. در نگرهٔ فوکویی، سوژه‌ها توسط گفتمان‌ها برساخته می‌شوند و این ساختارهای قدرت است که «باعث می‌شود احساس کنیم، دریابیم که چه هستیم، یعنی به ما شکل می‌دهد.» (برتیز، ۱۳۸۲: ۱۹۹). استیونز نیز هويت خود را از خلال همین گفتمان است که درک می‌کند. پرسش این است که چه نوع دانش و گزاره‌هایی هستند که این تقابل دوگانهٔ «ارباب/پیش‌خدمت» را موجه نشان می‌دهند. گزاره‌هایی که در این رمان به تعریف پیش‌خدمت بزرگ^۱ اهتمام دارند، این شأن را برای فردی قائل هستند که چنانکه بیان شد، متصف به صفت *dignity* (تشخص، وقار، متانت و حیثیت) باشد. مباحث مفصلی دربارهٔ تعریف و مفهوم این واژه در رمان مطرح می‌شود. (ایشی‌گورو، ۱۳۹۶: ۶۱، ۶۲) استیونز به این می‌اندیشد که «پیش‌خدمت بزرگ چیست؟» (همان: ۶۴) تأکید رسمی بر ویژگی‌های پیش‌خدمت بزرگ یا ممتاز بیش از همه توسط انجمن هیز، انجمنی از پیش‌خدمت‌های تراز اول انگلیسی، صورت می‌پذیرد. از جمله اینکه این پیش‌خدمت باید در خدمت یک خانهٔ ممتاز باشد. به این ترتیب خدمت در خانه‌های اهل کسبهٔ جدید و به اصطلاح تازه به دوران رسیده‌ها از نظر انجمن هیز امری مذموم و فاقد ارزش است (همان: ۶۶). در

^۱ great butler

این تعریف با تقابل دوتایی «اشراف/اهل کسبه جدید» مواجهیم. با توجه به اینکه در آن دوره زوال تدریجی اشرافیت و ظهور ثروتمندان جدید که خون اشرافی ندارند، در حال وقوع است؛ مشخص می‌شود که این گفتمان پیش‌خدمتی چطور تحت لوای گفتمان اشرافیت و جهت تضمین منافع آن صورت‌بندی شده است. در نگره تبعیض آمیز به طبقه نو ثروتمندانی که خون اشرافی ندارند، افتخار یک پیش‌خدمت، در امتناع از خدمت به این طبقه جدید و خدمت وفادارانه به طبقه اشراف قلمداد می‌شود.

تعریف خود استیونز از تشخیص و وقار پیش‌خدمت ممتاز، نزدیکی به محور قدرت است. به نحوی که پیش‌خدمت بتواند بگوید با مساعی خود، ولو در مقیاس ناچیز، سهمی در تعیین مسیر تاریخ داشته است (همان: ۲۱۰، ۲۰۹). علی‌رغم اینکه او در جلسات مهم بین‌المللی در سرای دارلینگتن حاضر است، ولی به خاطر الزامات شغلی‌اش در رفت‌وآمد است و تصویر نامشخص، گنگ و مبهمی از آن اتفاقات پراهمیت در ذهنش ایجاد می‌شود. با این حال همچنان خود را به محور قدرت نزدیک حس می‌کند و کار خود را کاری خطیر و بزرگ ارزیابی می‌کند.

همچنین در دانشی که هویت پیش‌خدمت را تعیین می‌کند، با تقابل‌های دوتایی دیگر هم مواجه هستیم. تقابل‌هایی که گونه‌های مختلفی از نظام تبعیض را سامان می‌دهند. اما با این حال برای استیونز بدیهی به نظر می‌رسند. یکی از این تقابل‌ها اهمیت انگلیسی بودن در برابر ناانگلیسی بودن است. نظام ذهنی انگلیسی نظامی بر اساس سنت و نظم خوانده می‌شود و این قوانین پیچیده پیش‌خدمتی تنها در سنت انگلیسی پروبال یافته (همان: ۸۱)، به نحوی که بعد از اینکه ارباب سر، فردی آمریکایی می‌شود، استیونز عنوان می‌کند که برخی اشتباهات پیش‌خدمت‌ها را ارباب آمریکایی اساساً متوجه نمی‌شود. چراکه دانشی در این باره ندارد. تقابل دوتایی دیگر تقابل «حرفه‌ای/آماتور» است که در یکی از جلسات بین‌المللی در سرای دارلینگتن توسط فردی آمریکایی مطرح می‌شود. او در آنجا اشرافی را که می‌خواهند در صحنه تحولات سیاسی جهانی مؤثر واقع شوند، افرادی آماتور می‌خواند و نجیب‌زادگان و اشراف گردآمده در سرای لرد دارلینگتن را این گونه مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد:

«همه شما یک مشت خیال‌باف ساده لوح بیشتر نیستید... مثلاً همین میزبان خودمان را در نظر بگیرید. ایشان چه کاره‌اند؟ یک نفر نجیب‌زاده... ولی این جناب لرد یک نفر آماتورند... و حال آنکه امور بین‌المللی امروز دیگر بازیچه نجبای آماتور نیست. شما در اروپا هرچه زودتر به این حقیقت پی ببرید بهتر

است.» (همان: ۱۶۰)

در دنیای جدید، دیگر داشتن خون اشرافی کمکی به درک و اثرگذاری در سیاست نمی‌کند و صرفاً افراد حرفه‌ای باید در سیاست نقش داشته باشند. این مسأله از برجیده شدن گفتمان اشرافیت و به تبع آن گفتمان پیش‌خدمتی که متصل به آن و جزئی از آن است، حکایت دارد. با زوال اشرافیت و اریستوکراسی و ظهور دموکراسی این تقابل را در بخشی از رمان شاهدیم که استیونز به روستایی می‌رود که او را با یک ارباب یا آقا اشتباه می‌گیرند. جوانی با افکاری انقلابی در گفتگو با استیونز، تشخیص و حیثیت را نقطهٔ مقابل بردگی می‌خواند و آن را با استقلال ذهنی و آزادی ابراز عقیده یکی می‌شمرد (همان: ۲۷۱). اما این مسأله به هیچ‌وجه به مذاق استیونز خوش نمی‌آید؛ چراکه آن جوان از واژه‌ای استفاده می‌کند که استیونز سال‌ها به آن اندیشیده و هویت خود را در گرو آن می‌داند. او ویژگی تشخیص را در اوج وفاداری و فدا شدن در خدمت به اربابی خوب تعریف می‌کند. (همان: ۲۹۱، ۲۹۰) در این بخش با صورت‌بندی تقابل «اریستوکراسی/دموکراسی» مواجهیم و شاهد آنیم که با وجود آنکه در نظام دموکراسی، آحاد مردم عادی که خون اشرافی ندارند، همچون آن جوان روستایی می‌توانند خواهان آزادی بیان و استقلال رأی باشند و تشخیص خود را در حصول آن بدانند؛ اما چنین مطالبه‌ای اساساً برای استیونز موضوعیت ندارد و او همچنان تشخیص خود را در فدا شدن در نظام اریستوکراسی و اشرافیت می‌داند. نکتهٔ قابل تأمل آن است که برتری موقعیت اشراف در این تقابل‌های تبعیض‌آمیز، چنان در گفتمان پیش‌خدمتی و سوژهٔ استیونز قوام یافته که وی هیچ جایگزین و بدیلی برای نظام اشرافیت قائل نیست.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین تقابل‌های دوتایی در این رمان، تقابل «ارباب(آقا)/پیش‌خدمت(نوکر)» است که این تقابل و لزوم برقراری و دوام نظامی که در آن نهایت خواستهٔ نوکرها فداکاری برای ارباب اشرافی‌شان باشد، از نظر استیونز کاملاً بدیهی و طبیعی است. طرح فکری فوکو، بر ملا کردن معیارها و اصول بدیهی است که ساختار قدرت بر آن اساس، انسان بهنجار را تعریف می‌کند. ساختار قدرت، تشکیل یافته از نهادها و نظام‌های تابعی است که بر استمرار زندگی بهنجار اجتماعی تأکید دارد. اصیل‌ترین بخش کار فوکو را می‌توان مطالعهٔ مواردی دانست که «نشان می‌دهند چگونه فرهنگ ما سعی دارد افراد را از طریق کاربرد ابزارهای عقلانی شده، بهنجار سازد و آن‌ها را به فاعل‌های معنایپذیر و موضوعات اطاعت‌پذیر تبدیل کند» (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۶: ۵۹). سازوکارهای ساختارهای

اجتماعی وجود دارد که با بهنجار و طبیعی نشان دادن وضعیت موجود، نوعاً و به شکل قدرتمند و ماهرانه‌ای می‌تواند شرایط غیر قابل تحملی را بر اقصای محروم جامعه تحمیل کرده و آن‌ها را به حاشیه بکشاند. تفکر فوکو با آشکار کردن این سازوکارها نمایانگر ارزش‌های رهایی‌بخش است.

(Wicks, 2001: 144)

ساختار قدرت در هر دوره‌ای تعریفی از شکل‌های بهنجارِ زندگی ارائه می‌دهد که این تعریف با کمک گزاره‌های بدیهی انگاشته شده دانش، رسمیت یافته و هویت افراد انسانی را بر می‌سازد. از دیدگاه فوکو ساختار قدرت، انسان بهنجار را در برابر انسان نابهنجار تعریف می‌کند. بهنجارسازی^۱ «قالب‌ریزی و شکل‌دهی جامعه در یک شکل "بهنجار" است که در مقابل شکل‌های "نابهنجار" قرار می‌گیرد. فرایندی است که در آن یک فرهنگ، جامعه را تشویق می‌کند؛ و وامی‌دارد تا خود را بر اساس قوانین تثبیت‌شده، میزان کند و هماهنگی خود را با این قوانین حفظ کند.» (Shawver, 2006: 5)

استیونز تقابل «ارباب/پیش‌خدمت» و برتری جایگاه ارباب را بدیهی و بهنجار قلمداد می‌کند و تحت هر شرایطی برای اربابش، لرد دارلینگتن جایگاهی برتر قائل است. به بیان دیگر، گفتمان پیش‌خدمتی، برتری بلامنزاع جایگاه ارباب‌ها و طبقه اشراف را امری بهنجار و طبیعی قلمداد می‌کند و این گفتمان خواستار استمرار این نظام و استمرار خدمت خالصانه پیش‌خدمت به ارباب است. استیونز به جای اندیشیدن به ماهیت و چرایی تقابل «ارباب/پیش‌خدمت» و به پرسش کشیدن نظام تبعیض در این تقابل، تقابل «پیش‌خدمت خوب/پیش‌خدمت بد(یا معمولی)» را مهم و قابل تأمل می‌داند. همه توان و استعداد او مصروف رسیدن به جایگاه پیش‌خدمت خوب و بزرگ می‌شود؛ به نحوی که بتواند بهترین خدمات را برای ارباب فراهم آورد و نسبت به پیش‌خدمت‌های معمولی در این حرفه ابراز بیزاری می‌کند.

نکته حائز اهمیت دیگر در این رمان این است که ممکن است تصور شود راوی (استیونز) گاه صداقت لازم را ندارد. این امر را در موارد ذیل می‌توان مشاهده کرد: استیونز در خلوت خود کتاب‌های عاشقانه می‌خواند و دلیل این کار را لزوم تقویت دستور زبان در حرفه خود می‌خواند. درحالی که در عمل از این کار شرم دارد و سعی می‌کند آن را از خانم کتن پنهان کند (ایشی گورو، ۱۳۹۶: ۲۴۷). همچنین در مواجهه با نزول شأن اجتماعی لرد دارلینگتن، با وجود دیدن شواهدی از جمله یهودی‌ستیزی او،

¹ normalisation

همچنان در ذهن خود سعی در تیرئه ارباب و تأکید بر شرافت او دارد: «بنده یک نفر هرگز شک نمی-کنم که در پشت تمام اعمال ایشان چیزی جز آرزوی عدالت در این دنیا وجود نداشت.» (همان: ۱۲۱) و علی‌رغم همه شواهد هنوز لرد را «آقای به تمام معنی» (همان: ۱۰۵) می‌داند. همچنین در این سفر شش‌روزه انگیزه خود را صرفاً امری حرفه‌ای قلمداد می‌کند و هدف خود را از آوردن خانم کنتن، تنها استخدام وی به عنوان یک خدمتکار درست‌کار و وظیفه‌شناس برای سرا عنوان می‌کند. درحالی‌که از طرفی ارتباط با خانم کنتن نقطه عطف زندگی عاطفی استیونز محسوب می‌شود و از طرف دیگر خانم کنتن در نامه‌اش از به هم خوردن زندگی زناشویی‌اش یاد کرده، اما استیونز به طور کامل انگیزه شخصی و احساسی خود را در این سفر شش‌روزه منکر می‌شود.

اما شاید بتوان مواردی از این دست را دلیل بر عدم صداقت استیونز ندانست. به نظر می‌رسد در گفتمانی که هويت پیش‌خدمتی را خلق کرده؛ واقعیت به گونه‌ای کژتاب نمایان می‌شود و استیونز از خلال همین گفتمان با کژفهمی، عمیق‌ترین احساسات خود را درک و بیان می‌کند. «ما چنان همه جانبه این گفتمان‌ها را جذب و درونی می‌کنیم که حتی برای ما "برانگیزنده لذت‌اند". گفتمان‌ها چگونگی نگاه ما به جهان را شکل می‌دهند. ما درون گفتمان‌ها زندگی و تنفس می‌کنیم و بی‌آنکه خود بدانیم در درون زنجیره‌های قدرت عمل می‌کنیم.» (برتنز، ۱۳۸۲: ۲۰۴) استیونز کمابیش از موقعیت خود لذت می‌برد و اتاق کارش را در هیأت اتاق عملیات ویژه می‌بیند و نوکر بودن و پیش‌خدمت بودن را قابل مقایسه با کار یک ژنرال می‌داند. اداره کردن پادوها و پیش‌خدمت‌های زیردست را مانند کار ژنرالی می‌بیند که نیروهای نظامی خود را در کارزار جنگ فرماندهی می‌کند. (ایشی‌گورو، ۱۳۹۶: ۱۲۷) او در مرکز عملیات ویژه یا ستاد سردار لشگر، مشرف به همه امور سرا، نشسته است. اما از نظر ناظر بیرونی این مرکز عملیات بیشتر از هر چیز شبیه یک سلول زندان است. این ناظر می‌تواند فریاد بزند که «آقای استیونز، این اتاق واقعاً مثل یک زندان می‌ماند. کافی است یک تخت خواب کنارش بگذاریم، آن وقت به خوبی می‌شود تصور کرد که محکوم دارد آخرین ساعت‌هایش را اینجا می‌گذراند» (همان: ۲۴۴)

۳. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر رمان *بازمانده روز نوشته کازئو ایشی گورو* بررسی و تحلیل شد. در این بررسی با رویکرد تحلیل گفتمان نحوهٔ بر ساخت گفتمان پیش‌خدمتی شرح داده شد. بیان شد ساختار اشرافی‌گری

نظام قدرت در انگلستان این گفتمان پیش خدمتی را بر اساس چه تعاریف و دانشی تولید کرده است. نشان داده شد که استیونز، شخصیت اصلی رمان، به منزله سوژه‌ای در این گفتمان به نحوی جهان اجتماع خویش را درک می‌کند و هویت و جایگاه خود را فهم می‌کند که برای او بقا و استقرار این گفتمان و همچنین نهاد اشرافیت بریتانیای کبیر ضروری می‌نماید و در سلسله مراتب سوژه‌ها در گفتمان پیش خدمتی قوانین و انضباط برای او چنان درونی شده که او خود به عامل اجراکننده قوانین سخت-گیرانه خدمتکاران بدل شده است. وی از پذیرش گفتمان جدید دموکراسی خواهی و برابری انسان‌ها سرباز می‌زند و همچنان قائل به این است که باید در برابر ارباب اشرافی‌اش خدمتی فداکارانه و خالصانه ارائه کند. استیونز برتری بلامنازع جایگاه ارباب‌ها و طبقه اشراف در تقابل «ارباب (آقا)/پیش-خدمت (نوکر)» را امری بهنجار، بدیهی و طبیعی قلمداد می‌کند. همچنین بیان شد که ذهنیت استیونز چگونه به برداشتی کژتاب از موقعیت خود منجر می‌شود. به نحوی که در عوض به پرسش کشیدن نظام تبعیض در تقابل ارباب/پیش خدمت، تقابل «پیش خدمت خوب/پیش خدمت بد (یا معمولی)» را حیاتی و اساسی می‌شمرد و اتاق خود را که از زاویه ناظری بیرونی چون سلولی انفرادی به نظر می‌رسد، همچون اتاق عملیات یک ژنرال می‌بیند. سلول زندان را می‌توان استعاره‌ای از وضعیت پیش خدمت‌هایی چون استیونز دانست که از خلال تعاریف پیچیده و ارزش‌گذاری‌های گفتمان پیش خدمتی در آن اسیر شده‌اند، بدون اینکه به این اسارت اذعان کنند یا حتی واقف باشند.

منابع و مآخذ

۱. ایشی گورو، کازئو، (۱۳۹۶)، *بازمانده روز*، ترجمه نجف دریابندری، تهران: کارنامه.
۲. برتنز، یوهانس ویلم، (۱۳۸۲)، *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
۳. دریفوس، هیوبرت و پل رابینو، (۱۳۷۶)، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۴. رز، ژیلیان، (۱۳۹۴)، *روش و روش‌شناسی تحلیل تصویر*، ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۵. سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نشر نی.
۶. فوکو، میشل، (۱۳۸۹)، *تئاتر فلسفه*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
۷. فوکو، میشل، (۱۳۹۷)، *نقد چیست؟ و پرورش خرد*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
۸. مکاریک، ریما ایرانا، (۱۳۸۳)، *دانش‌نامهٔ نظریه‌های ادبی*، ترجمهٔ مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگاه.
۹. میلز، سارا، (۱۳۸۸)، *گفتمان*، ترجمهٔ فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.

References

1. Bertens, J. W., (2003) *Nazariye-ye Adabi (Literary Theory)*. Translated by Farzan Sojoudi. Tehran: Ahang-e Digar, (In Persian)
2. Dreyfus, H. and P. Rabinow (1997), *Michel Foucault: Farasou-ye Sakhtargerayi va Hermeneutics (Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics)*. Translated by Husain Bashiriye. Tehran: Nashr-e Ney, (In Persian).
3. Foucault, M., (2002), *The Archaeology of Knowledge*. Translated by A. M. Sheridan. New York: Pantheon Books.
4. Foucault, M., (2010), *Teatr_e Falsafe*. Translated by Nikou Sarkhosh and Afshin Jahandide. Tehran: Nashr-e Ney, (In Persian).
5. Foucault, M., (2018), *Naghd Chist ? Va Parvaresh_e Kherad*. Translated by Nikou Sarkhosh and Afshin Jahandide. Tehran: Nashr-e Ney, (In Persian).
6. Ishiguro, K., (2017), *Bazmande-ye Rouz (The Remains of the Day)*. Translated by Najaf Daryabandary. Tehran: Karname, (In Persian).
7. Makaryk, I. R., (2004), *Daneshname_ye Nazariyeha_ye Adabi_ye Moaser (Encyclopedia of Contemporary Literary Theory: Approaches, Scholars, Terms)*. Translated by Mehran Mohajer and Muhammad Nabavi. Tehran: Agah, (In Persian).
8. Mills, S., (2009), *Goftman (Discourse)*. Translated by Fattah Muhammadi.

Zanjan: Hezare_ye sevom, (In Persian).

9. Rose, G., (2015), *Ravesh va Raveshhenasi_ye tahlil_e tasvir (Visual Methodologies an Introduction of Visual Materials)*. Translated by seyed jamal_alдин Akbarzade Jahromi. Tehran: Pajuheshgah_e Farhang, Honar va Ertebatat, (In Persian).
10. Shawver, L., (15 Jul. 2022), "Dictionary for the Study of the Works of Michel Foucault", <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download>.
11. Soltani, A. A., (2005), *Ghodrat, Goftman and Zaban*, Tehran: Nashr-e Ney, (In Persian).
12. Tanke, J., (2009), *Foucault's Philosophy of Art*, New York: Stony Brook.
13. Wicks, R., (2001), "Foucault", Edited by Berys Gaut, Dominic Mclver Lopes, *The Routledge Companion to Aesthetics*, London and New York: Routledge, 143-154.